

ج: زنان و طالبان

- دستاوردهای برگشت پذیر زنان افغانستان / یاسین رسولی
- زنان افغان و طالبان: یک بررسی اکتشافی / ساران دو لیده / محمدسخی رضایی

بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴

دستاورد‌های برگشت‌پذیر زنان افغانستان^۱

یاسین رسولی*

چکیده

حقوق زنان و برابری جنسیتی (Gender Equality) در افغانستان، موضوع حساس و چالش‌برانگیز است. حقوق زنان خط اول عرصهٔ منازعهٔ گروه‌های سنتی و بنیادگران با نوگرایان از ابتدای قرن بیستم تا کنون بوده است. در حالی که پیشرفت‌های حقوق سیاسی زنان در یک‌ونیم دههٔ گذشته چشم‌گیر بوده است، در دورهٔ گذار و مصالحه با طالبان، بیم آن می‌رود که حقوق زنان قربانی مصالحه با طالبان شود. از دست‌رفتن دستاورد‌هایی که به‌دشواری به‌دست آمده‌اند، بیش از هر زمانی در معرض تهدید و برگشت‌پذیری قرار گرفته است. در این مقاله، موضوع‌های چهارگانهٔ آشتی با طالبان، نقش رئیس‌جمهور، گذار امنیتی و گذار اقتصادی، با توجه به خواسته‌ها و مطالبات زنان، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، برابری جنسیتی، دورهٔ گذار، مصالحه، مشارکت

۱. در این مقاله از برخی یافته‌های برنامهٔ «بسیج و مشارکت سیاسی زنان در دورهٔ گذار» که در سال‌های ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴ توسط دیده‌بان افغانستان در کابل و ۷ زون کشور راه‌اندازی گردید و هم‌چنین برنامهٔ «جرگهٔ ملی زنان» در ۲ مارچ ۲۰۱۶ با همکاری ادارهٔ بخش زنان ملل متحد (Women UN) که نگارنده نیز تهیه‌کنندهٔ گزارش نهایی این برنامه‌ها بوده، استفاده شده است.

*نویسنده، دیپلمات و استاد روابط بین‌المللی در دانشگاه کاتب.

طرح موضوع

نیروهای بین‌المللی دستاوردهای بهبود حقوق زنان را همواره بخشی از جنگ با تروریسم پس از ۲۰۰۱ یاد کرده‌اند. «نجات» زنان افغانستان از تقدیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، امر کلیدی در بسیج و حمایت بین‌المللی برای ساقط‌نمودن طالبان در افغانستان داشته است^۱ که این امر در واقعیت‌های اجتماعی افغانستان نهفته است و در واقع، ایجاد ثبات و امنیت بدون در نظر داشت حقوق بشر و حقوق زنان معنا ندارد.

حقوق زنان به صحنه کشمکش میان حامیان حقوق بشر و لیبرال‌ها و انجوها که از غرب حمایت دریافت می‌کنند، با سیستم ارزشی مبتنی بر سنت و مذهب بدل شده است. در ارزیابی محققان، کم‌بود اعتماد به نفس در میان زنان در حوزه عمومی و ناتوانی در بسیج عمومی، فاکتور عمده بوده است.^۲ گروه‌ها و فعالان زنان نتوانسته‌اند میان صدای دادخواهی، رهبری و نفوذ بر تصمیم‌سازی یک رابطه مستقیم برقرار سازند.^۳

با کاهش توجه بین‌المللی، بیم آن می‌رود که افغانستان به دوره‌های بازگشت طالبان و قدرت‌یابی جنگ‌سالاران محلی باز گردد و نیروهای امنیتی توان پیش‌گیری از سقوط بخشی از ولسوالی‌ها به دست طالبان یا جنگ‌سالاران و مافیا را نداشته باشند و این امر، به بی‌ثباتی و جنگ داخلی مانند دهه ۹۰ بینجامد. موجودیت تهدیدهای امنیتی بیش از هر چیز، زنان فعال در اقتصاد، زندگی عامه، جامعه مدنی، استادان، شاگردان و... را هدف می‌گیرد. نیازمندی‌های زنان در پروسه گذار اولویت دارد. آگاهی و درک درس زنان از پروسه گذار و جایگاه و نقش زنان در این پروسه، امر مهمی است که از پیامدهای منفی احتمالی جلوگیری می‌تواند.

1. Aarya Nijat and Jennifer Murtazashvili, Women's Leadership Roles.

in Afghanistan, Special Report, United States Institute of Peace, September 2015 www.usip.org.

2. Ibid, p. 2.

3. Anna Larson, Women and power Mobilising around Afghanistan's Elimination of Violence Against Women Law, ODI report, February 2016, www.odi.org/women-and-power.

مصالحه با طالبان و گروه‌های بنیادگرا نگرانی اساسی در میان زنان در تمام ولایت کشور می‌باشد. اعمال قوانین طالبانی، افزایش محدودیت‌های اجتماعی، محدودیت/ ممنوعیت کار، کاهش فرصت‌های اقتصادی و ممنوعیت تحصیل دختران، عمده‌ترین نگرانی‌ها نسبت به پیامدهای ناخواستهٔ مصالحه با طالبان‌اند. تضمین حقوق زنان در گفت‌وگوها و توافق احتمالی با طالبان، موضوع مشترک خواستهٔ فعالان حقوق زنان افغانستان است. دیدگاه طالبان نسبت به زنان پیوند ارگانیک با هویت طالبان دارد و انتظار یک چرخش اساسی در رویکرد طالبان نسبت به زنان واقع‌بینانه نمی‌باشد.

برای مهار عواقب ناخواسته در فرآیند مصالحه، برخی از فعالان حقوق زنان توصیه به توقف گفت‌وگوهای صلح کرده‌اند. بیش‌ترین تأکید بر شامل‌ساختن بیش‌تر زنان در روند گفت‌وگوهای صلح، در ساختار سیاست‌گذاری شورای عالی صلح و مصالحه مشروط به تضمین حقوق زنان شده است. شریک‌نساختن قدرت با طالبان و نیروهای سستی مخالف حقوق زنان، مهم‌ترین خواستهٔ مشترک زنان در ۷ زون کشور از رئیس‌جمهور بیان شده است.

مصالحه به مفهوم یافتن راهی است برای زندگی مسالمت‌آمیز در کنار دشمنان پیشین که لزوماً به معنای دوست داشتن آن‌ها، عفو و یا به هر شکلی به فراموشی سپردن گذشته نیست؛ بلکه معنای زندگی مسالمت‌آمیز، توسعهٔ میزان همکاری‌های لازم برای جامعه است. کلمهٔ کلیدی در این جا «هم‌زیستی» است. هرچند واقعیت هم‌زیستی بیش‌تر از «صلح» و «توازن قدرت» نشأت می‌گیرد، هم‌زیستی به‌طور عمده به فراگیربودن فرآیند مصالحه و چگونگی برخورد آن با مسائل مشکل؛ نظیر عدالت و پاسخ‌دهی بستگی دارد.^۱

تجربه‌ها به‌روشنی ثابت کرده‌اند که امتیازات و حمایت‌های قانونی که زنان در یک‌ونیم دهه به‌دست آورده‌اند، به‌آسانی برگشت‌پذیرند. در صورتی که این‌گونه حقوق مداوم از طرف جامعهٔ مدنی و جامعهٔ جهانی مواظبت نگردد، با کاهش حضور جامعهٔ جهانی موارد اجرای خودسرانهٔ مجازات‌های شرعی در ولسوالی‌های دورافتاده افزایش می‌یابد و حکومت

۱. مصاحبه با ساری کووا، رئیس مرکز بین‌المللی برای عدالت انتقالی (ICT) در کابل در مجموعه دیدگاه‌ها: توافقات سیاسی و مذاکره با طالبان، نشر دیده‌بان افغانستان، ثور ۱۳۹۱.

در تطبیق قوانین مدافع حقوق زنان در برابر طالبان و محافظه‌کاران، مماشات بیش‌تر نشان می‌دهد.

۱. پیشینه تاریخی

مبارزه برای حقوق زنان، سیاسی‌ترین موضوع اجتماعی در تاریخ معاصر افغانستان بوده است. امان‌الله، شاه نوساز، در ابتدای قرن بیستم با شورش قبایل به رهبری ملاح‌های مذهبی به‌خاطر این‌که عکسی بی‌حجاب از ملکه افغانستان در میان قبایل پخش شده بود، سقوط کرد. شیوخ مذهبی علنی رفتار شاه را در دفاع از آزادی و برابری جنسیتی، مخالف شریعت اعلان کردند و شاه را متهم به کفر کردند. شورشیان در قطعنامه‌ای، اولویت خواسته‌های خود را گفتند: «نکاح صغیره جایز است؛ زن نباید در خارج از خانه تحصیل کند؛ ازدواج یک مرد با چهار زن درست است؛ تمام مکاتب دخترانه باید تعطیل گردند و دختران محصل افغان از ترکیه پس فراخوانده شوند و حجاب به‌شکل سابق اعاده شود».^۱

هنگامی که در جشن‌های استقلال سال ۱۹۵۹، زنان بدون حجاب ظاهر شدند و حکومت تصمیم به رفع حجاب به آرامی گرفته بود، مواجه با شورش در قندهار شد که اردوی تازه تجهیز شده توانست شورش را سرکوب کند. پس از آن، زنان توانستند که بدون حجاب در مکاتب، دانشگاه‌ها و ادارات تحصیل و کار کنند و این اولین فرصت برای اجرای رفرم‌های موفقانه حقوق زنان بود که ناراضی‌هایی به‌خوبی کنترل شد.^۲ با آن‌هم در ۱۹۶۳ محافظه‌کاران مذهبی از استعفای سردار داود استقبال کردند و زنان نسبت به آینده خود به‌شدت نگران شدند.^۳

یکی از علت‌های اصلی شورش در برابر حکومت چپ در آخر دهه ۷۰، فرمان‌های رفرم‌های «تحقق انقلاب فرهنگی» بود. فرمان شماره ۷ حزب خلق در سال ۱۹۷۸ تساوی

۱. میرغلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، تهران، نشر جمهوری، صص ۱۲۵۴-۱۲۵۵، هم‌چنین ر.ک به: کتاب مقالات کنفرانس بین‌المللی تجلیل از محمود طرزی، نشر مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه، کابل، ۲۰۰۹.

۲. میرمحمدصدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد دوم، نشر عرفان، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۸۸.

3. Depree, Louise, Afghanistan, Oxford Pakistan, 1997, chapter 24.

حقوق زن و مرد و الغای طویانه (مراسم عروسی) را تطبیق می‌کرد که با مخالفت سراسری ملاها و نیروهای محافظه‌کار روبه‌رو شد و به اعتراضات و شورش‌های عمومی دامن زد.^۱

زنان در دهه ۹۰ در دوره حکومت مجاهدین و طالبان، نه تنها به کلی از حقوق و آزادی‌های خود محروم شدند؛ بلکه اولین قربانیان جنگ‌های داخلی نیز زنان بوده‌اند. فرامین طالبان حق تحصیل، کار و حتی خروج از خانه را نیز از زنان گرفتند. طالبان می‌گفتند قلمرو کار زن خانه اوست و جایز نیست از منزل خارج شود. آنان باید در مکانی امن نگهداری شوند.^۲ طالبان حضور زنان در جامعه را باعث هرج و مرج جنسی و مخالف شریعت می‌دانستند و با محدودیت هرچه بیش‌تر بر زنان، وفاداری و کنترل بیش‌تر افراد خود را حفظ می‌کنند.^۳

۲. دستاوردهای برگشت پذیر

۲-۱. دستاوردها

قانون اساسی مصوب لویه‌جرگه ۲۰۰۴ در ماده‌های ۲۲، ۴۴ و ۵۴ تساوی حقوق زن و مرد و حقوق زنان را تضمین کرده است و زیربنای قانونی مشارکت سیاسی زنان در سیاست را فراهم نموده است. افغانستان به معاهدات بین‌المللی کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زن (CEDAW) در سال ۲۰۰۳، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و فرهنگی، پیوسته است که حکومت را متعهد به الزامات قانونی در جهت احترام و رعایت حقوق زن می‌کند.

افغانستان در کلیه تعهدات بین‌المللی خود با جامعه جهانی، متعهد به رعایت حقوق زن شده است؛ به‌ویژه در «تعهد افغانستان»^۴ در کنفرانس لندن (۲۰۰۶) و استراتژی ملی توسعه ۲۰۰۸-۲۰۱۳. حکومت در سال ۲۰۰۷ استراتژی درازمدت در قالب «برنامه عمل

۱. محمد اعظم سیستانی، مقدمه‌ای بر کودتای ثور و پیامدهای آن در افغانستان، چاپ دوم، کابل، ص ۹۶.

۲. نیلوفر پذیرا، یک قرن مبارزه زن افغان برای دستیابی به مساوات، ترجمه اسدالله شفاپی، فصلنامه مطالعات افغانستان، شماره ۲ و ۳، ۱۳۸۱.

۳. نانسی دوپری، زنان افغان تحت حکومت طالبان، در کتاب طالبان و سیاست‌های جهانی، ص ۲۰۶.

برای زنان افغانستان» ۲۰۰۷-۲۰۱۷ (NAPWA) را معرفی نمود که هدف اساسی آن، ایجاد یک چارچوب برای عملی‌سازی پالیسی‌ها و تعهدات حکومت برای بهبود وضعیت زنان است. عملی‌شدن این برنامه عمل از جمله پیش‌شرط‌های کنفرانس توکیو (۲۰۱۲) برای تداوم کمک‌های اقتصادی به افغانستان پس از دوره گذار نیز در نظر گرفته شده است که نشانه عزم جامعه جهانی به دفاع از حقوق زنان نیز می‌تواند تلقی شود.

زنان در یک‌ونیم دهه گذشته توانسته‌اند در پست‌های بالا‌شانه به‌شانه مردان کار نمایند و روند رو به رشد وضعیت زنان در ۱۲ سال گذشته بیش‌تر از هرچیزی، مدیون قانون اساسی افغانستان و حمایت جامعه جهانی بوده است که تضمین اساسی برای اعاده حقوق زنان به‌شمار می‌رود.

امروز بیش از ۱۶۵ زن قاضی (در مقایسه ۵۰ نفر در سال ۲۰۰۳)، ۳۰۰ زن در کار وکالت و ۲۵۰ زن سارنوال در سیستم قضایی افغانستان کار می‌کنند و در سال ۲۰۱۳، ۱۷۰۵ پولیس زن مصروف خدمت بوده‌اند^۱ که در میان آن‌ها ماریا بشیر، ریاست سارنوالی هرات را برای اولین بار به عهده گرفته است و رئیس پلیس حوزه امنیتی اول کابل را نیز یک خانم بر عهده دارد.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

اکنون ۶۸ نماینده زن در مجلس نمایندگان (۲۲ درصد)، ۴۷ نماینده در مجلس سنا (۱۷ درصد) و در شوراهای ولایتی ۲۵ درصد حضور دارند. هم‌چنین ۲۲ درصد کارمندان دولتی را زنان تشکیل می‌دهند؛ گرچه سهم زنان در پست‌های مدیریتی تنها به ۹ درصد می‌رسد. بنا به برنامه عمل NAPWA^۲ حکومت به افزایش شمار کارمندان به ۳۰ درصد تا سال ۲۰۱۸ متعهد شده است. تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر و تشکیل وزارت امور زنان اهمیت قانونی جایگاه حقوق زنان را در نظام سیاسی جدید نشان می‌دهد.

1. Oxfam's report on "Women and the Afghan Police" <http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/bp-173-afghanistan-women-police-100913-en.pdf>.

2. National Action Plan for the Women of Afghanistan.

برای متن کامل برنامه ملی عمل برای زنان افغانستان ر.ک به:

<http://sgdatabse.unwomen.org/uploads/National%20Action%20Plan%20for%20the%20Women%20of%20Afghanistan%202007%20to%202017.pdf>

در دهه گذشته، زنان پست‌های سیاسی را تصاحب کرده‌اند که پیش از این در انحصار مردان بوده‌اند. سیما سمر یکی از چهار معاون رئیس‌جمهور در دوره انتقالی (۲۰۰۱-۲۰۰۴) و رئیس کمیسیون حقوق بشر (۲۰۰۴- تا کنون) و در سال ۲۰۰۵ حبیبه سرابی اولین والی زن در بامیان منصوب شد. در سال ۲۰۰۹ عذرا جعفری اولین شاروال شهر نیلی مرکز ولایت دایکندی را عهده‌دار شد. ثریا شکیب سادات به‌عنوان اولین ولسوال زن در ولایت جوزجان شد و علاوه بر وزارت زنان، وزارت‌های صحت عامه و شهدا و معلولان نیز توسط وزیران زن اداره شده‌اند.

هم‌چنین حضور زنان در نهادهای اجرای قانون، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در سال ۲۰۱۳، ۱۷۰۵ پولیس زن مصروف خدمت هستند. در سال ۲۰۱۳ زنان در پست قضاوت ۶۶ تن و ۳۰۰ زن در کار وکالت مدافع و ۲۵۰ زن سارنوال هستند^۱ که در میان آن‌ها ماریا بشیر ریاست سارنوالی هرات را برای اولین بار به عهده دارد. نهادها و سازمان‌های فعال یک شبکه مهم و محوری را در دفاع از حقوق زنان و ارائه خدمات ایفا می‌کنند. اگر نگاهی به آمار زنان برنده انتخابات پارلمانی بیندازیم، اکثر آن‌ها با پشتوانه نهادهای مدنی موفق شده‌اند؛ یعنی خیزش این زنان از این نهادها بوده است.^۲

تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۷۰۰ سازمان غیرحکومتی (NGO) و ۳۱۰۰ سازمان اجتماعی راجستر شده‌اند که بسیاری از آنان مصروف ارائه خدماتی است که مستقیم یا غیرمستقیم به زنان ارتباط می‌گیرد. وزارت امور زنان افغانستان نیز ۲۴۸ سازمان مدافع حقوق زنان را ثبت کرده است^۳ و تخمین زده می‌شود که در این سازمان‌ها حدود ۵ هزار تن مصروف کارند.^۴

نتیجه کار سازمان‌های غیرحکومتی که در بخش‌های صحت و آموزش نیز فعالیت دارند،

1. Oxfam's report on "Women and the Afghan Police" <http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/bp-173-afghanistan-women-police-100913-en.pdf>.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک به: تحقیق میدانی لیلی علی‌زاده در مورد نقش سیاست‌های دولت، احزاب و جامعه مدنی در مبارزات انتخاباتی زنان در هرات در کتاب مشارکت سیاسی خانم‌ها در انتخابات‌های گذشته، نشر دیده‌بان افغانستان، ۱۹۹۲.

۳. ر.ک به: وب‌سایت وزارت امور زنان، معینیت پالیسی <http://mowa.gov.af/fa/page.6814>.

۴. برای دیدن لیست کامل سازمان‌های غیر حکومتی و سازمان‌های اجتماعی ثبت‌شده، به وب‌سایت وزارت اقتصاد و وزارت عدلیه مراجعه نمایید.

به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر وضعیت زنان تأثیرگذار هستند. بهبود در شاخص‌های توسعه انسانی تأثیر اولی بر زنان در جامعه دارند. شاخص کاهش مرگ مادران هنگام زایمان در هر ۱۰۰ هزار ولادت ۱۶۰۰ مورد- بلندترین در دنیا بوده است- در سال ۲۰۱۰ به ۳۲۷ مورد رسیده است که پیشرفت قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد.^۱

۲-۲. برگشت پذیری دستاوردها

مشارکت زنان در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نهادینه نشده است؛ اما دستاوردهایی که به سختی به دست آمده برگشت پذیر است. گروه‌های سیاسی و حکومت برای جلب توجه جهانی در مورد حقوق زنان بیشتر شعار می‌دهند. با این همه، این که چرا از کمک‌های جامعه جهانی استفاده بهینه نشده است، به خاطر این است که برخی از پروژه‌ها را تعداد انگشت شماری به دست می‌آورند. کمک‌های بین‌المللی به گونه پروژه‌ای بوده است و معمولاً پروژه‌ها طبق سلیقه و علایق نهادها و دولت‌های تمویل کننده طراحی می‌گردند، نه سازمان‌های افغانی که روی مسائل زنان کار می‌کنند. معمولاً به این سازمان‌ها بودجه عملیاتی^۲ مستقل از طرف حکومت افغانستان و یا سازمان‌های تمویل کننده بین‌المللی داده نمی‌شود تا با داشتن یک بودجه سازمانی مستقلانه فعالیت‌های خود را تداوم دهند؛ بنابراین، بیشترین سازمان‌های مدافع حقوق زنان ذخیره مالی ندارند و بدون حمایت مالی ملی و بین‌المللی قادر نیستند دوام آورند و پروژه‌های خود را عملی سازند. از طرف دیگر، ناهماهنگی میان سازمان‌ها سبب گسستگی، پراکندگی و تمرکز بر پروژه‌های موردی شده و از تأثیرگذاری جمعی بر پالیسی‌ها کاسته است.

محافظه کاران در حکومت و پارلمان در صدد برآمده‌اند تا از طریق تغییر قوانین و احکام، پیشرفت‌های زنان در ۱۲ سال گذشته را به عقب برگردانند. کاهش سهمیه زنان در شوراهای ولایتی از یک چهارم به یک پنجم در قانون انتخابات به تصویب ولسی جرگه و مشرانو جرگه در جون ۲۰۱۳ رسید و در ماه جولای توسط رئیس جمهور توشیح گردید. از آن جا که سهمیه

۱. ر.ک به: وبسایت وزارت صحت عامه <http://moph.gov.af/fa/Page.8968>.

2. Operational Budget.

۲۵ درصدی زنان در شوراها و ولایتی در قانون اساسی تضمین نشده بود، حتی ولسی جرگه در ابتدا آن را تصویب کرده بود؛ اما بنا به مخالفت محافظه کاران در مجلس سنا بازگشت و در نهایت به یک پنجم کاهش یافت. گویا کسانی که قسم خورده‌هایی هستند که به حقوق زن یک خصومت عجیب دارند و ممکن است عقده‌هایی داشته باشند و از نظر روانی نورمال نباشند، آخر این سهمیه را به ۲۰ درصد رساندند.^۱

قانون احوال شخصیه شیعیان - که بنا به ماده ۶۱ قانون اساسی به شیعیان جعفری اعطا شده است - پیش‌نویس این قانون توسط برخی علمای محافظه کار شیعه نوشته شده و از تصویب پارلمان نیز در سال ۲۰۰۹ گذشت؛ اما اعتراضات جامعه مدنی؛ به‌ویژه دبیر کل ناتو همه را متوجه متن این قانون ساخت که تا چه حدی حق زن در آن نادیده گرفته شده است؛ از جمله تمکین اجباری زن در برابر خواسته‌های جنسی شوهر و سپردن حق حضانت کودکان به مرد پس از طلاق، مخالفت گسترده داخلی و بین‌المللی با این قانون که در مطبوعات غربی به‌عنوان «قانون تجاوز»^۲ شهره شد، مواجه شد. رئیس‌جمهور کرزی از توشیح آن خودداری کرد. پسان اعضای پارلمان گفتند که متن این قانون را هرگز نخوانده بودند.

قانون منع خشونت علیه زنان که با حکم رئیس‌جمهوری مرعی‌الاجرا بود، در ماه می ۲۰۱۳ برای تصویب به ولسی جرگه ارائه شد تا به تصویب آن به‌صورت قانون، وارد قوانین مدنی افغانستان گردد. اعضای محافظه کار ولسی جرگه برخی مواد این قانون را مغایر با اسلام خوانده و به‌شدت مخالفت کردند و خواستار حذف آن مواد شدند که به‌شدت این قانون را تضعیف می‌کند. در این قانون، حقوق زنان به‌ویژه در مورد تجاوز و آزار جنسی لحاظ شده است؛ در حالی که در قانون مدنی افغانستان، مفهوم تجاوز و آزار جنسی نیامده است. با وجود کمپاین‌های متعدد فعالان حقوق زنان که تا کنون نیز جریان دارد و از جمله شخص رئیس‌جمهور کرزی تو مار این کمپاین را امضاء کرده است؛ اما هنوز ولسی جرگه نتوانسته است آن را به تصویب برساند. فعالان حقوق زنان نگرانند که با وجود این اختلافات، دیگر قضات

۱. ثریا صبح‌رنگ، معاون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در کنفرانس ساحوی کابل دیده‌بان افغانستان.

به قانون منع خشونت علیه زنان استناد نکنند. این قانون که زنان را در تمام امور زندگی شان کمک می‌کند، نقض شده و پاس نمی‌شود و با این عمل، خشونت در جامعه علیه زنان افزایش خواهد یافت و زنان یک گام به عقب برخواهند گشت. برخی از فعالان زنان پارلمان را منحنی نهاد قانون‌ساز متهم به افراطیت می‌کنند.^۱

در تابستان ۲۰۱۳، برخی نمایندگان ولسی جرگه خواستار الحاق ماده‌ای به قانون جزایی افغانستان شده‌اند تا شهادت اعضای فامیل را در مورد اتهام، به‌ویژه در مورد خشونت‌های فامیلی، بی‌اعتبار سازند. خشونت‌های فامیلی، شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان در افغانستان است.

در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۳، برخی نمایندگان پارلمان خواستار واردنمودن ماده‌ای در قانون جزایی افغانستان بر اجرای سنگسار متهمان به روابط جنسی نامشروع شدند که با اعتراض گسترده جامعه مدنی روبه‌رو شده است. با آن‌که وزارت عدلیه رسماً آن را تأیید نکرد؛ اما دور از انتظار نیست که اجرا شدن سنگسار، به‌خاطر ایجاد ترس عمومی از مجازات‌های شرعی مطلوب محافظه‌کاران مذهبی است تا به‌صورت جدی در دستور کار محافظه‌کاران قرار گیرد؛ چنان‌که طالبان در برخی ولسوالی‌های خارج از کنترل حکومت آن را اجرا می‌کنند.

این چند تجربه، به‌خوبی ثابت کرد که امتیازات و حمایت‌های قانونی به‌آسانی برگشت‌پذیرند. در صورتی که این‌گونه حقوق مداوم از طرف جامعه مدنی و جامعه جهانی مواظبت نگردند، با کاهش حضور جامعه جهانی، موارد اجرای خودسرانه مجازات‌های شریعت در ولسوالی‌های دورافتاده افزایش می‌یابد و حکومت در تطبیق قوانین مدافع حقوق زنان در برابر طالبان و محافظه‌کاران مماشات بیش‌تر نشان می‌دهد.

در برخی کشورها، مانند مراکش، زنان متخصص در مسائل اسلامی موفق شده‌اند علیه واردشدن خرافه‌ها و تعبیر مردانه از دین ایستادگی کنند^۲ و چهره‌ای از اسلام را معرفی کنند که بیش‌ترین حقوق و آزادی زنان را می‌پذیرد و حمایت می‌کند. در افغانستان خلأ وجود

۱. مصاحبه اختصاصی حبیبه سرابی، نامزد معاونت دوم در انتخابات ۲۰۱۴ و والی پیشین بامیان با دیده‌بان افغانستان.

۲. برای نمونه: فتوی شورای علمای افغانستان را در ضمیمه ببینید.

زنان برجسته عالم دین به صورت جدی محسوس است.

افغانستان خطرناک‌ترین مکان بر روی زمین برای زنان در سه شاخص صحت، خشونت غیرجنسی و دسترسی به منابع اقتصادی شناخته شده است.^۱ خشونت علیه زنان داستان مکرری است در افغانستان که همه می‌دانند؛ گویا یک توافق اجتماعی در خانواده‌ها و سنت فرهنگی جامعه شکل گرفته است که دعوت به سکوت می‌کند و نهادهای حکومتی نیز با بی‌توجهی و بی‌پروایی مکلفیت قانونی خود را نادیده می‌گیرند تا زمانی که صداها و فریادها همگانی می‌شوند و نمونه خشونت بارها در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد و حکومت آخرین مرجعی است که واکنش نشان می‌دهد و اهل سیاست وارد نمایش حمایت از زن آسیب‌دیده می‌شوند؛ در حالی که نمونه‌های فراوان دیگر هم‌چنان مورد خشونت قرار می‌گیرند و چشم پولیس و قانون نمی‌بیند.

خشونت علیه زنان در کشور افزایش یافته و این موضوع به شدت نگران‌کننده است. بنا به گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، گزارش خشونت‌ها در سال ۲۰۱۳ افزایش ۲۴.۷ درصدی را نشان می‌دهد.^۲ این خشونت‌ها گاه به شکل بسیار بی‌رحمانه‌ای صورت گرفته است و زمینه‌های مختلف دارد که خاص شرایط افغانستان است. این زنان عموماً قربانی خشونت توسط زورمندان و جنگ‌سالاران و تطبیق خودسرانه قانون شریعت می‌باشند.

خانه‌های امن تحت نظر وزارت زنان که به زنان قربانی خشونت پناه می‌دهند، نیز مورد هجوم ملاحضات محافظه‌کار قرار گرفته‌اند که خانه‌های امن را محل فحشا خوانده‌اند. مدافعان حقوق زنان نگران هستند که با کاهش حضور نیروهای بین‌المللی، حفاظت از خانه‌های امن دشوارتر گردد. پلیس که خود را ملزم به حفاظت از خانه‌های امن نمی‌داند و حتی در مورد دست‌اندازی و تجاوزات پلیس - بدون دغدغه بازخواست - از خانه‌های امن اظهار نگرانی می‌شود. خشونت علیه زنان محدود به زنان عادی نمی‌گردد؛ حتی زنان کارمند، شاغل و

۱. رک به: متن خبر در وبسایت رادیو دویچوله، افغانستان خطرناک‌ترین کشور جهان برای زنان است، <http://www.dw.de>

۲. رک به متن خبر در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan_131214/12/2013/http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan_mar_children_ayoub_undp_report.shtml

نمایندگان در شوراهای ولایتی و پارلمان نیز با تهدیدهای جدی روبه‌رو هستند.

۳. حقوق زنان در سازش با طالبان

همواره پایان هر جنگ همراه با مصالحه است و افغانستان نیز از این قاعده مستثنا نیست. با توجه به ارزیابی‌هایی که در مورد طالبان شده، این شورش را دارای ماهیت مزمن و دیرپا توصیف می‌کنند؛ گرچه امکانات تهدید جدی حکومت کابل یا امنیت بین‌المللی را ندارند. برای غربی‌ها، پروژه گذار بدون یک سازش سیاسی با طالبان ناتکمیل است و برای افغان‌ها، امنیت بر تمام جنبه‌های زندگی سایه انداخته و حکومت دیر یا زود باید به نوعی مصالحه ملی دست یابد.

روند مصالحه در دو سطح خرد و کلان از چند سال بدین سو در جریان است. در سطح خرد برنامه ادغام مجدد به افراد طالبان و دیگر گروه‌های مسلح مخالف فرصت داده شده که سلاح‌های خود را بر زمین گذاشته و به زندگی عادی بازگردند. دفتر تحکیم صلح، به ریاست صبغت‌الله مجددی، در ۷ سال گذشته از این طریق حدود ۱۰ هزار طالب مسلح را به زندگی عادی بازگردانده است.

در سطح کلان که مذاکره با رهبری طالبان و حزب اسلامی و در نظر گرفتن آن‌ها مانند یک گروه یا جنبش سیاسی است، کمیسرین صلح، به ریاست صلاح‌الدین ربانی، رهبری این پروسه را بر عهده دارد. با وجود آن‌که رئیس جمهور کززی بارها از ملاعمر، رهبر طالبان، دعوت به مذاکره کرده است؛ اما تا کنون طالبان همواره حکومت کابل را دست‌نشانده خوانده و هیچ‌گاه تمایل به مذاکره را نشان نداده‌اند و تلاش‌های رسمی از گفت‌وگو در باره گفت‌وگو فراتر نرفته است.^۱

نشانه‌هایی از حکومت افغانستان دیده شده است که نسبت به دیدگاه‌های بنیادگراها

۱. برخی تلاش‌های دیپلماتیک خوش‌بینی تمایل طالبان را نسبت به نشستن پشت میز مذاکره را در سال‌های اخیر دامن زده است که مهم‌ترین آن گشایش دفتر سیاسی طالبان در دوحه، پایتخت قطر، در جون ۲۰۱۳ بود. در حالی که گشایش دفتر رسمی طالبان با حضور نمایندگان رسمی آن‌ها در واقع یک آدرس رسمی طالبان است که پس از سقوط در ۲۰۰۱ فاقد آن بوده‌اند؛ اما از آنجایی که طالبان پرچم خود را بر فراز این دفتر برافراشتند و گویا خواستار نوعی به رسمیت شناخته شدن بین‌المللی بودند، در محافل سیاسی کابل واکنش‌های شدید را برانگیخت و رئیس جمهور کززی به شدت با روند قطر مخالفت کرد و خواستار آغاز گفت‌وگو در داخل کشور شده است؛ از این رو، پروسه قطر ناکام ماند.

تساهل نشان داده شده است و یا اجرای سخت‌گیرانه شریعت توسط طالبان را محکوم نکرده است. رئیس‌جمهور کرزی بارها طالبان را «برادر» خطاب کرده است که ممکن است فراتر از تشویق طالبان برای پیوستن به روند مصالحه باشد. برخی از اعضای بلندپایه حکومت به‌گونه علنی نسبت به طالبان هم‌سویی و هم‌فکری نشان داده‌اند؛ به‌عنوان مثال: در سال ۲۰۱۱ اعلامیه شورای علما، زن را تابع مرد دانست. زنان عموماً بیش‌تر از مردان نسبت به روند مصالحه با طالبان با تردید می‌بینند و نگران می‌باشند. بنا به مصاحبه‌های واحد تحقیق و مطالعه افغانستان (AREU)، «زنان شهرنشین افغان که با آن‌ها مصاحبه صورت گرفت، در مورد اجندای طالبان در ارتباط به زنان بی‌نهایت بدبین بوده و به‌شدت نگران‌اند که با خروج نیروهای ناتو، راه تسلط نیروهای محافظه‌کار بر کشور صاف گردد».^۱

منشور ملی زنان «خواهان حق تصمیم‌گیری مساویانه در مورد صلح و مصالحه با نیروهای ضد دولتی بر مبنای قانون اساسی افغانستان و قطعنامه‌های ملل متحد که در مورد زنان، صلح و امنیت به‌وضاحت تذکر داده شده است، می‌باشد. برای تحقق این مأمول، دولت باید خود را مکلف به انجام موارد زیر بداند: مذاکرات احتمالی با نیروهای ضد دولتی باید از طریق اشتراک و نمایندگی مساویانه زنان نخبه و با تجربه افغان، که متعهد بر اصل برابری حقوق زن و مرد باشند، صورت گیرد. طرف مقابل مذاکرات، قانون اساسی افغانستان را به‌رسمیت شناخته، از خشونت دست کشیده، با القاعده قطع رابطه نموده و دستاوردهای سال‌های اخیر افغانستان را به‌شمول حقوق زنان، دموکراسی و آزادی بیان قبول نماید و اشتراک فعال و منجر به تصمیم‌گیری زنان نخبه در کمیسیون‌های مصالحه».^۲

داکتر سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نیز می‌گوید: «هیچ صلحی ممکن نیست که مردم و شهروندان آن کشور در آن سهم نباشد و آن را تقویت و حمایت نکنند. ما (زنان) نصف شهروندان این کشور هستیم، بناء باید سهم فعال داشته باشیم؛ اما به‌نظر من، هیچ جای تشویش نیست، این مذاکره تنها از دو سه سال پیش نیست، این بعد از سقوط طالبان بوده

۱. حقوق زنان، برابری جنسیتی و روند انتقال: حفظ دستاوردها و حرکت به‌سوی آینده، واحد تحقیق و مطالعه افغانستان (AREU)، میزان ۱۳۹۲، ص ۲۹ www.areu.org.af

۲. منشور ملی زنان، ۱۰ فبروری ۲۰۱۴.

۱-۳. طالبانی شدن جامعه

که گفته می‌شود طالبان و رهبر طالبان برادران ما بوده و یا بسیار چیزهای دیگه (گفته شده است) و ما با بسیار احترام یادآوری کردیم که خوب است؛ یعنی یگانه راه رسیدن به صلح مذاکره است، ما مذاکره را رد نمی‌کنیم؛ اما مذاکره‌ای که به قیمت تبعیض علیه نصف نفوس این کشور صورت بگیرد، یا مذاکره‌ای که به قیمت حقوق بشر و عدالت صورت بگیرد، انجام خوب ندارد. من گپ‌هایم را با یک ضرب‌المثل وطنی خلاصه می‌کنم: بار کج به منزل نمی‌رسد.^۱

بنا به فرامین طالبان، زنان بدون محرم نمی‌توانند از خانه خارج شوند. برقراری مجدد این‌گونه محدودیت‌ها، کابوس زنان افغانستان به‌ویژه زنان شاغل شده است. طالبان با کار زنان در نهادهای حکومت، سازمان‌های غیرحکومتی داخلی و بین‌المللی به شدت مخالفت کرده‌اند. معلمان و کارمندان زن شاغل در نهادهای حکومتی و سازمان‌های غیرحکومتی، شب‌نامه‌هایی با امضای مقام‌های نام‌نهاد محلی طالبان دریافت می‌کنند که به آن‌ها هشدار داده می‌شود که کار و وظیفه خود را رها کنند؛ در غیر آن کشته یا اختطاف می‌شوند. مثال‌هایی از کشته‌شدن این فعالان زن در سال‌های گذشته زیادند.

با پشتیبانی حمایت علمای مذهبی، دست‌یابی به حقوق اساسی زنان آسان می‌گردد؛ اما با تأسف در افغانستان عموماً این‌گونه نبوده است؛ در رهبری شورای علماء، محافظه‌کارترین ملاها قرار گرفته‌اند که نه تنها در دهه گذشته فتوا و دستورهای مذهبی حمایت‌گرانه از حقوق زنان صادر نکرده‌اند؛ بلکه یکی از نهادهای چالش‌انگیز در برابر زنان بوده‌اند! در بهار ۲۰۱۲ شورای علماء فتوایی صادر کرد که بنا بر آن، زنان تابع مردان دانسته شده و نبایست در مکان‌های مختلط کار یا تحصیل کنند و در سفر باید توسط محرم مرد خود همراهی شوند. این فتوا دقیقاً با دیدگاه طالبان مطابقت دارد.

طالبانی شدن قوانین فراتر از وضعیتی است که خود طالبان به قدرت برسند و نظام امارت اسلامی را مجدداً بنا کنند که عملاً ناممکن به نظر می‌رسد. طالبانی شدن، وضعیتی است که

۱. سخنرانی در جرگه ملی زنان، ۲ مارچ ۲۰۱۴، هوتل اینترنتال کابل.

حکومت افغانستان اجازه می‌دهد حتی از راه‌های قانونی، فاصله میان جامعه باز و جامعه ایده‌آل طالبان کم شود و به نیروهای محافظه‌کار اجرای قوانین شریعت با قرائت طالبانی فرصت داده می‌شود.

زنان افغانستان شاید هرگز نتوانند خاطرات ضرب و شتم مأموران اداره امر به معروف و نهی از منکر^۱ طالبان را از یاد ببرند. در کنفرانس ساحوی در زون شرق، نیلوفر عزیز، وکیل شورای ولایتی ننگرهار، صلح با طالبان در دوره‌های مختلف را بس‌دردناک دانسته و معتقد است که در این راستای صلح زنان باز قربانی شوند. در قطعنامه پایانی این کنفرانس آمده است که «پروژه مصالحه با طالبان و گروه‌های مسلح مخالف، تحت سایه اجندای سیاسی قرار گرفته که به‌طور کامل از اصول پذیرفته‌شده ملی متفاوت است».

طالبان هرگز قانون اساسی جدید افغانستان را نپذیرفته‌اند. در دوره امارت اسلامی طالبان (۲۰۰۱-۱۹۹۶)، سندی به‌نام قانون اساسی وجود نداشت. فرمان‌های ملا عمر صادر می‌شد که رفتار زنان و مردان را مقید می‌ساخت تا در خانه بمانند. فرامین طالبانی برای زنان هیچ نوع آزادی و حقوق قایل نبوده است.

طالبان خواستار اجرای قوانین شریعت به‌شدیدترین شکل آن است^۲ و در ولسوالی‌هایی که حکومت مرکزی حاکمیت ندارد، قاضیان طالبان قوانین شریعت، از جمله قوانین جزایی، را در مورد زنان با بی‌رحمی اجرا می‌کنند. با نزدیک شدن به سال ۲۰۱۴، محافظه‌کاران در حکومت و پارلمان در صدد برآمده‌اند تا از طریق تغییر قوانین و احکام، پیشرفت‌های صورت گرفته در ۱۵ سال گذشته را به عقب برگردانند و در این کار که بازگشت وضعیت طالبانی است، موفق بوده‌اند.

حکومت افغانستان در برابر خواسته‌های طالبان از یک‌سو و ابراز نگرانی‌های جامعه مدنی که نسبت به هر نوع عقب‌گرد نسبت به حقوق زنان هشدار می‌دهند، سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفته است. در گفتارهای سیاست اعلانی و رسمی، مواظبت از حقوق زنان

1. promotion of virtue and prevention of vice.

۲. ر.ک به: فرمان ملا عمر در باره طرز معاینه و تداوی مریضان زن.

و دستاوردهای پیشرفت زنان را تکرار می‌کند و در عمل و به‌صورت دوافکتو^۱ عرصه را برای طالبان و گروه‌های محافظه‌کار باز گذاشته است تا با مکانیسم‌های قانونی، برگشت قوانین، حقوق و آزادی‌های زنان را آرام آرام محدود سازد و از طرف دیگر، نسبت به اعمال بی‌رحمانه قوانین جزایی شریعت توسط طالبان در ولایات و ولسوالی‌ها سکوت اختیار کرده و به‌طور ضمنی رضایت نشان می‌دهد.

۲-۳. زنان در روند گفت‌وگوهای صلح

شفافیت روند مصالحه با طالبان، نه‌تنها برای زنان افغانستان؛ بلکه برای سایر اقشار اجتماعی و گروه‌های سیاسی نیز مبهم باقی مانده است. مهم‌ترین دلیل آن شروع نشدن رسمی این مذاکرات است. در حالی که دیدارها و توافقات پنهانی و علنی با اعضای گروه طالبان همچنان جریان دارد، رهبری شورای عالی صلح در اواخر نوامبر ۲۰۱۳ با ملا برادر، فرد شماره دو طالبان، اخیراً در پاکستان دیدار داشته است.

در صورتی که امکانات عملی مذاکرات فراهم گردد و طرف‌ها وارد یک پروسه مذاکرات رسمی گردند، حضور و مشارکت فعالان حقوق زنان، یکی از راه‌کارهایی است که می‌تواند مانع سازش در مورد حقوق زنان شوند. گرچه شورای عالی صلح به‌طور کلی بیش‌تر نقش اجرایی داشته و ابتکار رهبری صلح همواره در انحصار شخص رئیس‌جمهور کرزی بوده است. در شورای عالی صلح که مشتمل بر ۷۱ عضو می‌باشند، ۹ تن از زنان حضور دارند که بیش‌تر کار ارتباط عامه و رسانه‌ها را بر عهده داشته‌اند و در رهبری و سیاست‌گذاری این شورا نقشی به آن‌ها واگذار نمی‌گردد. مونسه شیرزاده‌حسن، یک تن از اعضای شورای عالی صلح در کنفرانس ساحوی کابل، معتقد است که «نقش زنان در اجتماع نباید سمبولیک باشد»؛ از این رو، آنان باید در عرصه‌های مختلف جهت تغییر وضعیت‌شان سهم اساسی بگیرند.

1. De Facto.

۲. مرجع مذاکره‌کننده با طالبان نیز مشخص نیست. رئیس‌جمهور کرزی اصرار داشت که شورای عالی صلح زیر نظر شخص رئیس‌جمهور تنها مرجع باصلاحیت در مذاکرات با طالبان می‌باشد. گروه‌های سیاسی خارج از حکومت نیز با طالبان در تماس بوده‌اند و سعی کرده‌اند مستقیم وارد گفت‌وگو با طالبان گردند.

تضمین حقوق زنان در گفت‌وگوها و توافق احتمالی با طالبان موضوع مشترک نگرانی فعالان حقوق زنان و جامعه جهانی است؛ اما نمی‌توان نادیده گرفت که دیدگاه طالبان نسبت به زنان پیوند ارگانیک با هویت طالبان گرفته است. انتظار یک چرخش اساسی در رویکرد طالبان نسبت به زنان واقع‌بینانه نمی‌باشد و از طرف دیگر، اهمیت مسائل زنان در حدی است که امکان جداسازی آن از اجندای هر نوع گفت‌وگو با طالبان نیز ممکن نیست.

بر اساس نظرسنجی‌ها برای مهار عواقب ناخواسته در فرآیند مصالحه با طالبان، برخی توصیه‌های پاسخ‌دهندگان توقف گفت‌وگوهای صلح، شامل ساختن بیش‌تر زنان در پروسه صلح و مصالحه مشروط به رعایت حقوق زنان شده است. برخی دیگر از زنان می‌گویند دوره تاریک طالبان را ما یک‌بار تجربه کردیم و دیگر ضروری نیست که پرسیان شود که می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم.^۱ علاوه بر پیچیدگی روند مذاکرات، ماهیت مصالحه با طالبان و امتیازهایی که ممکن است به طالبان داده شود، نیز امری است که نگرانی‌های زیادی را در جامعه مدنی و جامعه جهانی برانگیخته است. در واقع سازش با طالبان امری غیر از صلح می‌باشد.

۴. پاسداشت دستاوردهای قانونی

سیستم کوته (Quota System) دست‌آوردی است که در قانون اساسی افغانستان گنجینه شده است. تبعیض مثبت پذیرفته‌شده که زنان در طول چهار دهه جنگ تبعیض دیده‌اند. این تبعیض دفعاتاً از بین برده نمی‌شود. باید یک تبعیض مثبتی داشته باشیم تا که زنان زودتر رشد کنند.^۲ دکتر عالمه دید انتقادی نسبت به اولویت‌سنجی‌ها دارد. «آیا اولین اولویت برای ما یک کاروزار با بی‌سوادی نبود در دوازده سال گذشته؟ سیستم کوته (سه‌میه زنان) را می‌گوییم که افغانستان یک شاه‌کار کرده که سیستم کوته در قانون اساسی‌شان آمده است. نه! آن‌طور نیست، امروز در صد کشور جهان سیستم کوته وجود دارد؛ حتی در اروپایی که فکر می‌کنیم زن‌ها به آزادی خود رسیده‌اند، از سیستم کوته است. امروز زن‌ها در پارلمان‌های‌شان حضور دارند».^۳

۱. زرغونه عزیززی، معلم لیسه خصوصی مهرگان کابل در مصاحبه با دیده‌بان افغانستان.

۲. فرخنده.

۳. دکتر عالمه.

قانون اساسی افغانستان مشارکت سیاسی و دسترسی زنان به آموزش و خدمات صحتی را تضمین می‌کند و قانون انتخابات هم به زنان و مردان حق رأی‌دهی برابر می‌دهد. ساختار قانونی کرسی‌ها، به‌طور متوسط، حداقل دو زن از هر ولایت (۶۸ کرسی از ۲۵۰ کرسی ولسی‌جرگه) را تضمین می‌کند.^۱ هم‌چنان زنان باید حداقل ۱۶٪ مشرانو جرگه را تشکیل بدهند. یک سوم اعضای آن را که توسط رئیس جمهور انتصاب می‌شود، ۵۰٪ آن باید از میان زنان انتصاب شوند.^۲

منشور ملی زنان «خواهان مشارکت کامل سیاسی زنان و نیز خواهان تطبیق امتیاز مثبت بر اساس قوانین مدون افغانستان که از مکلفیت‌های دولت است، می‌باشد؛ از جمله حفظ و رعایت سیستم تبعیض مثبت مطابق قانون اساسی در قوه مقننه و تبعیض مثبت در بخش استخدام زنان در قوه اجرائیه تا حداقل سی درصد تبعیض مثبت در بخش استخدام زنان در قوه قضائیه (حداقل سی درصد کرسی‌ها) در شورای عالی ستره محکمه افغانستان و سارنوالی‌ها و پولیس».^۳

بیش‌ترین چالشی که در سال‌های اخیر جنبش زنان افغانستان با آن روبه‌رو بوده است، اصلاح قانون است و در حالی که پیشرفت‌هایی نیز در زمینه به‌دست آمده است؛ اما محافظه‌کاران در پارلمان - که اکثریت نیز دارند - به دنبال برگشت دادن قوانین به‌بانه مغایرت ماده‌ها با عبارت‌هایی از آن با شریعت می‌باشند. در دیگر کشورهای اسلامی، زنانی که تخصص و تجربه در حقوق اسلامی دارند، توانسته‌اند در برابر تعبیر و تفسیر محافظه‌کارانه از شریعت بایستند.

در افغانستان نیز اکنون حضور یک زن در ستره محکمه، بدل به یکی از خواسته‌های زنان افغانستان شده است. «موجودیت زن در ستره محکمه افغانستان، قدرت ریشه زن در سیاست افغانستان می‌باشد. ما امیدواریم به این مرحله برسیم که زنی در ستره محکمه باشد». زنان تا هنوز در ستره محکمه افغانستان جایی پیدا نکرده‌اند و این یک یأس کاملاً سیاسی برای زنان است.

با فرارسیدن سال ۲۰۱۴، محافظه‌کاران در حکومت و پارلمان در صدد برآمده‌اند تا از

۱. قانون اساسی افغانستان، ماده ۴۷.

۲. قانون اساسی افغانستان، ماده ۸۴.

۳. منشور ملی زنان، ۱۰ فیبروری ۲۰۱۴.

طریق تغییر قوانین و احکام، پیشرفت‌های زنان در ۱۲ سال گذشته را به عقب برگردانند.^۱ کاهش سهمیه زنان در شوراهای ولایتی از یک چهارم به یک پنجم در قانون انتخابات، قانون احوال شخصیه شیعیان، قانون منع خشونت علیه زنان در تابستان ۲۰۱۳، برخی نمایندگان ولسی جرگه خواستار الحاق ماده‌ای به قانون جزایی افغانستان شدند تا شهادت اعضای فامیل را در مورد اتهام به‌ویژه در مورد خشونت‌های فامیلی بی‌اعتبار سازد؛ در حالی که خشونت‌های فامیلی شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان در افغانستان است.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

برخورد ابزاری-سیاسی با حقوق زنان، موضوع حقوق زن را از یک حق ذاتی و انسانی، به یک امر سیاسی تابع تحولات روزمره فروکاسته است. بیش‌تر کمک‌های بین‌المللی در دهه گذشته در بخش امنیتی به مصرف رسیده است که تأکید جدی بر بخش جندر نداشته‌اند. لازم است تا حکومت افغانستان و جامعه جهانی فراتر از تعهد زبانی و شعاری بروند و در بهبود شاخص‌های جندر بنا به شاخص‌های تعهدات برنامه عمل برای زنان عملاً گام برداشته شود.

همزمانی روند صلح با طالبان، گذار امنیتی با انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای ولایتی و گذار اقتصادی، فضایی بیش از حد مبهم ایجاد کرده است. برای پیش‌گیری از مواجه شدن با بحران‌های پیش‌بینی‌نشده، بایست به‌گونه مستقیم نگرانی‌ها، خواسته‌ها و مطالبات زنان فهمیده شود و در مورد دورنمای کشور مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

حکومت افغانستان به ماده‌های قانون اساسی و معاهدات بین‌المللی که به آن پیوسته است، تعهد خود را عملاً با تطبیق کامل مفاد آن‌ها ثابت بسازد. باید قوانین حفاظت شده و تمام موانع در برابر عملی شدن آن‌ها کاملاً برطرف گردد. پس از مصالحه یا پیش از آن، موقعیت‌های بلند سیاسی به طالبان داده نشود و اجرای مجازات شریعت به شیوه طالبانی برای همیشه بند و ممنوع گردد.

شورای عالی صلح، مشارکت بیش‌تر زنان در رهبری شورای عالی صلح و برنامه ادغام

۱. برای نمونه: به فتوای شورای علمای افغانستان مراجعه نمایید.

مجدد طالبان در نظر بگیرند و حمایت و تضمین حقوق قانونی و شرعی زنان در جریان مصالحه به‌عنوان یکی از ماده‌های این مصالحه در کنار احترام به حاکمیت قانون اساسی و قوانین مدنی فعلی کشور ذکر شود.

پارلمان افغانستان قوانین و پروسیژرهایی که مستقیم یا غیر مستقیم حقوق زنان را نقض می‌کند، شناسایی کرده و برنامه عمل برای تغییر آن‌ها از مجرای قانونی تعریف نماید. در راستای تعهد دفاع از حقوق زنان، بایست قانون منع خشونت علیه زنان را به تصویب برساند. قوانینی که امتیازات اساسی برای مشارکت سیاسی زنان قایل شده‌اند؛ مانند سهمیه در شورای ملی و ولایتی و قوانینی که از آزادی و حقوق زنان مانند قانون «منع خشونت علیه زنان» و «برنامه عمل برای زنان افغانستان»، باید در برابر هرگونه تغییری که آن را تضعیف می‌کند، به شدت پاسداری گردد.

نهادهای جامعه مدنی و مدافع حقوق زنان، نقش بسیار کلیدی در تبیین نگرانی‌ها و پیشنهاد پالیسی‌ها و راه‌اندازی کمپاین‌های سراسری دارند تا صدای زنان افغانستان را به حکومت و جامعه جهانی برسانند و با ایجاد فشار به حکومت، مانع نقض حقوق آزادی‌های زنان شوند. فعالان حقوق زنان، منازعات و تهدیدها در دوره گذار شناسایی شده و آمادگی گرفته شود تا این که فعالیت‌ها پسان بر رفع پیامدها متمرکز گردد. جامعه مدنی بایست مرتب شاخص‌های پیشرفت/ پسرفت وضعیت زنان را ارزیابی نموده و خواستار پاسخ‌گویی حکومت در زمینه گردند. افزایش میزان حضور زنان در اردوی ملی و پلیس بنا به برنامه‌های درازمدت جذب، آموزش و مانیتور گردد.

اعتماد علمای دینی و مردان برای اشتراک زنان در انتخابات در سراسر کشور جلب شود. جنبش دفاع از حقوق زنان بایست به اهمیت حمایت و پشتوانه دینی از حقوق زن توجه بیش‌تر نماید. در این راستا، بایست دانشکده‌های خاص مطالعات اسلام‌شناسی دایر گردد و دختران و زنان تشویق گردند که با تخصص در دین، مبناهای تاریخی، فقهی و کلامی حقوق زن را در اسلام جست‌وجو کنند. به ارتباط به‌منظور تبادل تجربه‌ها، ایده‌ها و راه‌کارها با سازمان‌های زنان در کشورهای اسلامی و همسایه، که روندهای مشابه گذار را تجربه می‌کنند، توجه گردد.

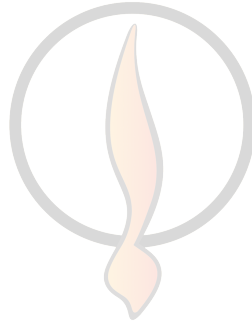
مأموریت و فعالیت نهادهای بین‌المللی از جمله نمایندگی یوناما و دیگر سازمان‌های

وابسته به ملل متحد در جهت حمایت از حقوق زنان، تداوم یابد. نمایندگی مللی متحد در افغانستان (UNAMA) در راستای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت به ارتباط «زنان، صلح و امنیت» در منازعات مسلحانه، گفت‌وگوهایی را با اشتراک جامعه مدنی برای بررسی آسیب‌های زنان افغانستان در منازعات و ارتقای نقش زنان در پروسه صلح، روی دست بگیرند.

منابع

۱. پذیرا، نیلوفر، (۱۳۸۱)، یک قرن مبارزه زن افغان برای دستیابی به مساوات، ترجمه اسدالله شغایی، فصلنامه مطالعات افغانستان، شماره ۲ و ۳.
۲. حقوق زنان، برابری جنسیتی و روند انتقال: حفظ دستاوردها و حرکت به سوی آینده، واحد تحقیق و مطالعه افغانستان A(AREU)، 1392، www.areu.org.af
۳. دوپری، نانسی، زنان افغان تحت حکومت طالبان، در کتاب طالبان و سیاست‌های جهانی.
۴. سیستانی، محمداعظم، (بی‌تا)، مقدمه‌ای بر کودتای ثور و پیامدهای آن در افغانستان، چاپ دوم، کابل،
۵. صبح‌رنگ، ثریا، معاون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در کنفرانس ساحوی کابل دیده‌بان افغانستان.
۶. عزیزی، زرغونه، معلم لیسه خصوصی مهرگان کابل در مصاحبه با دیده‌بان افغانستان.
۷. غبار، میرغلام‌محمد، (بی‌تا) افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، تهران، نشر جمهوری، هم‌چنین ر.ک به: کتاب مقالات کنفرانس بین‌المللی تجلیل از محمود طرزی، نشر مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه، کابل، ۲۰۰۹.
۸. فرهنگ، میرمحمدصدیق، (۱۳۷۵)، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد دوم، نشر عرفان، تهران،
۹. قانون اساسی افغانستان، ماده
۱۰. منشور ملی زنان، ۱۰ فروری ۲۰۱۴.
۱۱. وبسایت بی‌بی‌سی فارسی http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2013/12/131214_mar_children_ayoub_undp_report.shtml
۱۲. وبسایت رادیو دویچوله، افغانستان خطرناک‌ترین کشور جهان برای زنان است، <http://www.dw.de>
۱۳. وبسایت وزارت امور زنان، معینیت پالیسی <http://mowa.gov.af/fa/page/6814>
۱۴. وبسایت وزارت صحت عامه <http://moph.gov.af/fa/Page/8968>
15. Aarya Nijat and Jennifer Murtazashvili, Women's Leadership Roles.in Afghanistan, Special Report, United States
16. Institute of Peace, September 2015 www.usip.org.

17. Afghanistan Compact.
18. Anna Larson, Women and power Mobilising around Afghanistan's Elimination of Violence Against Women Law, ODI report, February 2016, www.odi.org/women-and-power.
19. Depree, Louise, Afghanistan, Oxford Pakistan, 1997, chapter 24.
20. Ibid, p. 2.
21. National Action Plan for the Women of Afghanistan.
22. Oxfam's report on "Women and the Afghan Police" <http://www.oxfam.org/sites/www.oxfam.org/files/bp-173-afghanistan-women-police-100913-en.pdf>.
23. promotion of virtue and prevention of vice.



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴